

تحلیل سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا از منظر قدرت نرم

فاطمه نجف زاده^۱
 ماشاالله حیدر پور^۲
 محمد ترابی^۳

چکیده

از قبل وقوع انقلاب اسلامی، ایران یک کشور تحریم‌خیز محسوب می‌شود. بنابراین همیشه در صدد بوده که راهکارهایی را برای مقابله با تحریم مدنظر قرار دهد. از آنجایی که بکارگیری قدرت سخت دارای هزینه‌های گزاف هست، و با توجه به اینکه سیاست‌گذاری، مبتنی بر کمترین هزینه و بیشترین سود می‌باشد، کشورها در تلاش هستند تا از قدرت نرم بهره‌گیرند. از این رو این پژوهش با بکارگیری روش تحلیلی، انجام مصاحبه از اساتید متخصص و نخبگان حوزه تحریم و سیاست‌گذاری و همچنین منابع کتابخانه‌ای قصد دارد به تحلیل سیاست‌گذاری عمومی ایران در وضع موجود با توجه به قدرت نرم در مقابله با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بپردازد و نیز به این پرسش پاسخ دهد که راهکارهای سیاست‌گذاری عمومی ایران در مقابل تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا، از منظر قدرت نرم، چیست؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که مؤلفه‌های فرهنگی و سیاست خارجی قدرت نرم بعنوان راهکار کاهش اثر تحریم در نظر گرفته شده‌اند. اما در مؤلفه سیاسی، اقتصادی، استراتژیک قدرت نرم، که توجه اصلی تحریم به این حوزه بوده، ایران دارای آسیب و راهکارهایی را برای مقابله با تحریم در نظر گرفته است. راهکارهای کشور در بعد قدرت نرم بر مبنای اقتصاد مقاومتی، مدل ابهام خلاق، نظریه آشوب یا اثر پروانه‌ای، مدل اقتضائی، تعامل با کشورهای تحریمی یا همسایه قرار دارد. **واژگان کلیدی:** سیاست‌گذاری عمومی، تحریم، قدرت نرم، ایدئولوژی، تاکتیک.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)
 mashallah.heidarpour@gmail.com

۳. استادیار گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مقدمه

امروزه، کشورهای مختلف درصدد استفاده از قدرت نرم بجای قدرت سخت برآمده‌اند و در راستای تأثیرگذاری و افزایش نفوذ خود بر دیگر کشورها از این مقوله بهره می‌گیرند. قدرت نرم به عنوان روش موجود، یکی از ابزارهایی است که ایران برای برون‌رفت از شرایط تحریم، در سیاست‌گذاری عمومی در پیش گرفته است. سیاست‌گذاری عمومی در ایران نیز اگر چه سابقه طولانی ندارد، اما خود مفهوم ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد و بعنوان رشته‌ای علمی در دهه گذشته مورد توجه محافل علمی و آکادمیک قرار گرفته است، فرایندها و مراحل علمی موجود، در نظام سیاست‌گذاری ایران نیز وجود دارد و سبب شده‌اند تا الگوهای متفاوتی پیشنهاد شود. وجود برخی عوامل محیطی نیز مانند محیط‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به مؤلفه‌هایی ختم می‌شوند که به تأثیرگذاری و تأثیرپذیری در فضای داخلی و بین‌المللی می‌انجامد.

بسیاری از تحلیلگران علم سیاست‌گذاری معتقدند شناخت فرایندهای سیاست‌گذاری به کنشگران کمک می‌کند تا به گفته دیوید ایستون به «جعبه سیاه سیاست‌گذاری‌ها» دست یابند. در این میان شیوه بیان و گفتمان موجود در سیاست‌ها، که در هر فعالیت سیاست‌گذاری وجود دارد، راهنمای خوبی برای این شناخت‌اند. شناخت نظام سیاست‌گذاری به بهینه‌سازی فرایندهای سیاست‌گذاری آینده کمک شایانی می‌کند و از سوی دیگر سیاست‌گذاران را با نقاط قوت و ضعف و خلأهای موجود آشنا می‌سازد. از آنجا که دولت‌ها همزمان با مسائل درونی، با مسائل بیرونی نیز درگیر هستند، اتخاذ تصمیمات درست یا نادرست، ارتباطات کشورها را با هم به تعامل یا تقابل سوق می‌دهد.

دیدگاه‌های بسیاری در خصوص عوامل تحریم و سیاست‌گذاری وجود دارد و تلاش ایران برای رفع اثرات تحریم استفاده از ظرفیت‌های موجود است، که یکی از این ظرفیت‌ها بهره‌گیری از مقوله قدرت نرم می‌باشد. منابع و مؤلفه‌های قدرت نرم ایران، یا خود راهکار مقابله با تحریم گشته‌اند یا در برخی حوزه‌ها که آسیب پذیرتر بوده‌اند، با خلق یک راهکار، از شدت تحریم کاسته‌اند. البته باید نگرش دیگران نسبت به وضع موجود دیده شود. ایران در بحث فضای داخلی، با استفاده از موضوعات ایدئولوژیکی و تاکتیکی و در بعد خارجی، با استفاده از لابی‌های ارزشی، به اقناع سازی افکار دست یافته است.

این پژوهش بر آن است با بکارگیری روش تحلیلی و انجام مصاحبه از اساتید متخصص و نخبگان حوزه تحریم و سیاست‌گذاری، با توجه به در نظر داشتن مؤلفه‌های قدرت نرم، سیاست‌گذاری عمومی ایران در چارچوب این مقوله را در مقابله با تحریم‌های یکجانبه آمریکا، در وضعیت موجود، بررسی نماید، لذا برخی از چارچوب‌های مفهومی از جمله اقتصاد مقاومتی و نظریه آشوب یا اثر پروان‌های نیز مطرح گردیده است. این پژوهش فرضیه‌آزما نیست، اما در یافته‌های خود به این مطلب رسیده است که ایران سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر برخی مؤلفه‌های قدرت نرم را از ابزارهای مورد مقابله با تحریم‌های آمریکا در نظر گرفته و تحلیل وضعیت موجود ایران در دو بعد داخلی و خارجی را مطمح نظر قرار داده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به اینکه موضوع قدرت نرم از موضوعات جدید و مطرح شده در مقابل قدرت سخت، می‌باشد، لذا تحقیقات بسیاری در خصوص آن برای مقابله با تحریم علیه ایران، صورت نگرفته است. اما می‌توان به پاره‌ای از منابع مرتبط و مشابه به شرح زیر نام برد:

جنیدی و مولایی (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا معتقد است شرایط کنونی ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های قدرت نرم کشور جهت خنثی کردن راهبردهای ایالات متحده به فعلیت درآمده و مقدمات معرفی صحیح جمهوری اسلامی و تصحیح چهره پیشین کشور فراهم شده است.

قنبرلو (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه به این نتیجه رسیده است که از قدرت نرم منطقه‌ای به نمایش گذاشته شده در اثکا به مبانی و منابع سه‌گانه قدرت نرم - مهربانی، هوشمندی و زیبایی اشتراک دارند. برای کشورهای منطقه برقراری مناسبات صلح‌آمیز و دوستانه با دولت‌های دیگر مهم است؛ تمامی آن‌ها درصددند از خود چهره‌ای موفق و کارآمد در عرصه بین‌الملل به نمایش بگذارند؛ و همچنین مروج اندیشه‌ها و عقایدی هستند که در منطقه می‌توانند زمینه جذب و گرایش بالایی داشته باشند.

خدادادی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین به این یافته‌ها دست پیدا کرد که: منابع قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین قابلیت بررسی

چهار محور را داراست: ۱- فرهنگ؛ (بخش هایی که دارای جذابیت برای دیگران است) من جمله تمدن غنی ایران و اشتراکات آن با تمدن کهن آمریکای لاتین، جاذبه های گردشگری، زبان و ادبیات فارسی؛ ۲- سیاست؛ شامل سیاست خارجی (تحركات و روابط دیپلماتیک) و ارزش ها و اصول سیاسی من جمله؛ ضدیت و بی اعتمادی مطلق به قدرت های سلطه گر، در رأس آن ها ایالات متحده، استقلال طلبی و نفی هرگونه سلطه و مبارزه برای عدالت، حمایت از ملت های مستضعف و آزادی خواه؛ ۳- اقتصاد با تأکید بر وجوه نرم آن از جمله کمک های اقتصادی، سرمایه گذاری و الگوسازی در اقتصاد مقاومتی؛ ۴- ایدئولوژی و دین با بهره گیری از آموزه های اسلام شیعی در زمینه الگوهای اجتماعی متعالی و ظرفیت ساز در جامعه و امت سازی اسلامی در جوامع آمریکای لاتین، به عنوان منابع اصلی قدرت نرم می باشند.

کریمی منجرمویی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان بازشناسی مؤلفه های قدرت نرم ایران در منطقه خاورمیانه معتقد است منابع قدرت نرم ایران در سه محور سیاسی (ایدئولوژی یا انقلاب اسلامی، رهبری، اتحاد و انسجام اسلامی)، محور فرهنگی که در دو بخش عمده ی پیشینه و سابقه ی تمدنی مشترک با کشورهای منطقه و زبان و ادبیات فارسی می باشد و منابع اقتصادی که در دو بخش رشد اقتصادی و اقتصاد دانش بنیان آمده است که همگی می توانند به مثابه قدرت نرم ایران عمل نمایند.

عبادی (۱۳۹۵). در پژوهش خود با عنوان تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع آمریکا در عراق جدید ۲۰۰۳-۲۰۱۴، معتقد است ظهور انقلاب اسلامی ایران که با برچیده شدن نظام شاهنشاهی و قطع همه جانبه روابط ایران با ایالات متحده آمریکا شد و به همراه خود انقلاب بزرگتر و عظیم تر را به تعبیر امام خمینی^(س) رقم زد و آن انقلاب درونی و معنوی بود؛ به همین دلیل بسیاری معتقدند که این انقلاب به شکل ویژه ای مبتنی بر مؤلفه های نرم افزانه قدرت بوده است. چرا که این انقلاب نه تنها به پارادایم انزوای دینی از حیات اجتماعی و سیاسی بشریت و خنثی بودن آن پایان داد بلکه در کنار احیاء هویت دینی و بیداری ملت ها، فرهنگ سیاسی اسلامی را در ایران و منطقه و جهان مطرح نمود. یافته ها وی حاکی از آن است که ایران از طریق نفوذ نرم در سه حوزه ارزشی - اعتقادی، فرهنگی - اجتماعی و سیاسی در عراق و با بکارگیری دیپلماسی هوشمند مانع از تحقق برخی اهداف و منافع آمریکا در عراق شده است. در زمینه سیاست گذاری عمومی در ایران و مبانی آن، و نیز در خصوص تضادهای ایران

و آمریکا، و راهکار تعامل سازنده بین این دو کشور، در خصوص انواع تحریم‌ها، کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است؛ اما در خصوص مهمترین مؤلفه‌های تاثیرگذار سیاست‌گذاری عمومی مبتنی بر قدرت نرم، بر روند تحریم‌های یکجانبه آمریکا علیه ایران و راهکارهای آن با توجه به جستجوی منابع، هیچ پژوهشی یافته نشد؛ لذا نگارنده بر آن شد تا جهت تکمیل پژوهش‌های انجام شده قبلی، به طرح این موضوع بپردازد.

سیاست‌گذاری عمومی^۱

اصطلاح سیاست‌گذاری عمومی به لحاظ لفظی از ترکیب «سیاست‌گذاری» و «عمومی» تشکیل شده است. واژه سیاست در زبان فارسی واژه‌ای است که معادل دو واژه انگلیسی «پالیسیس^۲» و «پالیسی^۳» به کار می‌رود. ترکیب این دو واژه اصطلاح سیاست عمومی را می‌سازد و منظور از آن، سیاست‌هایی است که از سوی دولت یا نهادهای عمومی وضع می‌شود و تمام یا جمعیت زیادی را در معرض خود قرار می‌دهد.

برخی از تعاریف صورت گرفته از سیاست‌گذاری عمومی در جدول شماره (۱) آمده است:

جدول شماره (۱)، تعاریف سیاست‌گذاری عمومی

تعریف	محقق
آن‌چه را دولت‌ها انجام می‌دهند، چرا انجام می‌دهند و آن‌چه انجام می‌دهند چه خاصیتی دارد و چه تغییری ایجاد می‌کند (دانش‌فرد، ۱۳۹۴: ۱۸).	توماس دای ^۴
برنامه مدونی از اهداف، ارزش‌ها و کنش‌ها (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	هارولد لاسول ^۵
مجموعه‌ای هدفمند از عمل‌سختن که یک یا مجموعه‌ای بازگیر در ارتباط با یک مسئله یا موضوع دنبال می‌کنند (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	جیمز اندرسون ^۶

1. Public policy
2. Politice
3. Policy
4. Thomas Dye
5. Harold Lasswell
6. James Anderson

تعریف	محقق
یک سلسله اقدامات هدف‌دار که به وسیله فرد یا افرادی که قدرت و مشروعیت سیاست‌گذاری دارند، برای مقابله با یک مشکل عمومی شکل می‌گیرد (الوانی و شریف‌زاده، ۱۳۸۷).	مهدی الوانی
مجموعه اقدامات هدفمند که به وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود (اشتریان، ۱۳۸۶: ۲۷).	کیو مرث اشتریان
آن را «اثرات فعالیت دولت» می‌نامد (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	دیوید ایستون ^۱
به منزله «خطوط تعیین شده اقدامات» یا «بیان خواسته‌ها» (لستر و استوارت، ۱۳۸۱: ۵).	آستین رنی ^۲
مجموعه تصمیم‌های متعادل بازیگر یا گروهی از بازیگران سیاسی در مورد انتخاب اهداف و ابزار دستیابی به آن‌ها در شرایط مشخص، به شرط آنکه این تصمیم‌ها قانوناً در چارچوب اختیارات بازیگران اتخاذ شده باشند (هاولت و رامش و پرل، ۱۳۹۴: ۱۳).	ویلیام جکینز ^۳
تصمیم‌های مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت و قوه قضائیه (چهاردولی و قاسمی بنابری، ۱۳۹۸: ۱۴۶).	روگن
به کار گرفتن چیزی بزرگ‌تر از تصمیماتی خاص، اما کوچک‌تر از حرکت‌های اجتماعی (چهاردولی و قاسمی بنابری، ۱۳۹۸: ۱۴۶).	واین پارسونز ^۴
یک رشته از عمل یا بی‌عملی دولت است که نسبت به مسائل اجتماعی صورت می‌گیرد (دانش فرد، ۱۳۹۴: ۱۸).	مایکل کرفت و اسکات فورلانگ ^۵

اندیشه سیاست‌گذاری عمومی شامل دو بخش مربوط به حوزه‌های «سیاست‌گذاری» و «عمومی» می‌شود. معنای «سیاست‌گذاری» شامل آگاهی هوشمندانه در زمینه انتخاب میان راه‌های جایگزین برای اداره جوامع است. سیاست متضمن استدلال‌های عقلایی در جهت فهم یک مسئله و راه‌حل آن است. سیاست عرضه‌کننده نوعی نظریه است که در پی آن ادعایی برای مشروعیت شکل می‌گیرد. بدیهی است که تحقق این امر مستلزم تأیید سیاست‌ها و خط‌مشی‌های مربوط از سوی آحاد مردم و شهروندان است. ارائه سیاست، به‌طور معمول از سوی نخبگان

1. David Easton
2. Austin Ranney
3. William Jenkins
4. Wayne Parsons
5. Michael Kraft and Scott Furlong

فکری صورت می‌گیرد. اما اگر این امر از سوی نخبگان سیاسی و ابزاری جامعه که برخوردار از قدرت هستند صورت پذیرد، از آنجا که سیاست‌های مزبور جنبه عملیاتی و اجرایی پیدا می‌کند، «سیاست» به «سیاست‌گذاری» تبدیل می‌شود. پس هر سیاست هنگامی که امکان اجرایی شدن آن فراهم باشد، تبدیل به سیاست‌گذاری می‌شود (قریب، ۱۳۹۲: ۱۰۷-۱۰۶).

قدرت نرم^۱

قدرت نرم، توانایی تعیین اولویت‌ها است، به گونه‌ای که با دارایی‌های ناملموس مثل داشتن جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی، و ارزش‌های نهادی و سیاسی، مرتبط و همسو باشد یا این که سیاست‌های قابل قبول و دارای اعتبار معنوی را پدید آورد (ایزدی، ۱۳۸۷: ۱۲).

مفهوم قدرت نرم به عنوان یک نظریه منسجم را اولین بار جوزف نای^۲ در سال ۱۹۹۰ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «گمراه‌کنندگی استعاره انحطاط» بر محور ماهیت متحول قدرت در نشریه آتلانتیک مطرح کرد، که در آن پایه‌های نظریه را مشخص نمود. از نظر وی در بررسی قدرت باید به مسائل و پیچیدگی‌های مربوط به اینکه کدام یک از منابع برای قدرت و تبدیل قدرت^۳ حائز اهمیت است توجه کرد. از این منظر وی تأکید داشت که باید میان روش اعمال مستقیم قدرت یا شیوه آمرانه^۴، روش اعمال غیرمستقیم قدرت یا رفتار متقاعد کننده قدرت^۵ تمایز قائل شد (کیوان حسینی و جمعه‌زاده، ۱۳۹۲: ۱۵۲). در مورد اول، از مضامین تشویق و ترغیب کننده یا تهدیدآمیز استفاده می‌شود، اما در نوع دوم از مسائلی چون فرهنگ، ایدئولوژی، عقاید و باورها و توانایی دستور کار سیاسی برای پیشبرد اهداف استفاده می‌شود. از این منظر ایالات متحده بایستی فرهنگی جهانی داشته باشد و نقشی گسترده در عرصه بین‌المللی داشته باشد. از نظر جوزف نای، اطلاعات وجه بارز قرن اخیر است و در عصر اطلاعات کشورهایی صاحب قدرت هستند که فرهنگ و ایده‌های مسلط آن‌ها به هنجارهای جهانی تبدیل شده باشد. بدین ترتیب

1. soft power
2. Joseph Nye
3. Power Conversion
4. Directive or Commanding Method of Exercising Power
5. Power Behavior Indirect or Co-Optive

فرهنگ، سیاست‌های مقبول داخلی و خارجی و در اختیار داشتن ابزارهای ارتباطی به مثابه مؤلفه‌های شکل جدید قدرت (قدرت نرم) به حساب می‌آیند (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). در این راستا قدرت نرم، وا داشتن دیگران به خواستن آنچه شما می‌خواهید است؛ یعنی مردم را مجبور به انجام کاری کردن نیست، بلکه به همکاری خواندن است. در جنگ‌های جدید هدف دشمن کاهش پایداری مردم است. در جنگ نرم دشمنان به آرامی از داخل جبهه خودی، مقاومت مردم را کاهش داده و روش‌هایی را اتخاذ می‌کنند تا مردم در مسیر کمک به دست‌یابی اهداف آنان قرار گیرند (حبیبیان و صبوری، ۱۳۹۱: ۳۴).

قدرت نرم دارای منابع و عناصری است که باید آن‌ها را شناخت. جوزف نای معتقد است قدرت نرم در یک کشور می‌تواند از سه منبع اصلی بدست آید: ۱- فرهنگ آن کشور؛ ۲- ارزش‌های سیاسی؛ ۳- سیاست خارجی (نای، ۱۳۸۹: ۵۱).

۱- فرهنگ^۱

«بروس کوئن آ»، فرهنگ را مجموع ویژگی‌های رفتاری، عقیدتی و اکتسابی اعضای یک جامعه خاص می‌داند (صالحی امیری، ۱۳۹۲: ۲۶). فرهنگ «شیوه ویژه‌ای زندگی» قلمداد می‌شود که ارزش‌ها، سنت‌ها، باورها، اهداف مادی و سرزمینی، آن را شکل می‌دهند و نظام بوم‌شناختی پیچیده و پویایی است از مردم، اشیاء، جهان‌بینی‌ها، کنش‌ها و شرایط که اگرچه شالوده آن پابرجاست اما در ارتباطات روزمره و اندرکنش اجتماعی دگرگونی می‌یابد. فرهنگ، «متن» است: شیوه‌ی گویش و پوشش، و غذایی است که خورده می‌شود، و نیز شیوه تهیه و مصرف آن، شیوه تقسیم زمان و فضا، شیوه دست‌افشانی و ارزش‌هایی است که با آن‌ها فرزندان را اجتماعی می‌کنیم، و نیز همه جزئیات دیگری که زندگی روزمره را برمی‌سازد (لال، ۱۳۷۹: ۹۹).

1. Culture
2. Bruce Cohen

۲- ارزش‌های سیاسی^۱

بر اساس نظر گوردن ویلارد آلپورت^۲ ارزش غالباً جزء بنیادین نظام فرهنگی محسوب می‌شود و جریانی است که با آن فرد به محیط پاسخ می‌دهد. ارزش‌ها نشان دهنده آموخته‌های هر فرد است و در واقع به زندگی افراد هدف و جهت می‌دهد. ارزش‌ها همانند نگرش‌ها جریاناتی هستند که فرد کسب می‌کند و می‌آموزد و فرد در همان اوایل زندگی اجتماعی و فرهنگی خود از رفتارهای مطلوب و نامطلوب که پایه اصلی یادگیری را تشکیل می‌دهند، فرا می‌گیرد (آلپورت^۳، ۱۹۶۸: ۱). از نظری ارزش شامل ۶ جنبه نظری یا عملی، اقتصادی، زیباشناسی یا هنری، اجتماعی، مذهبی، و سیاسی می‌باشد. آلپورت معتقد است، کسی که دارای ارزش سیاسی است، علاقه به قدرت و کنترل کردن دیگران دارد و دارای خصوصیتی از جمله نفوذ پذیری، اقتدار و آوازه و شهرت است (سعیدی‌نژاد و آریاپوران، ۱۳۸۹: ۳۳).

۳- سیاست خارجی^۴:

در حوزه سیاست خارجی اگر یک کشور، سیاست‌هایش را به گونه‌ای تنظیم کند که بتواند بدون استفاده از تهدید و یا تطمیع، دیگران را بسیج نماید، منبع مهمی برای قدرت نرم به شمار می‌رود (نای، ۱۳۸۹: ۱۳۶). در واقع اگر سیاست خارجی یک کشور از نگاه دیگر بازیگران، مشروع شمرده شود، مقبولیت آن کشور بیشتر می‌شود (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳).

تحریم‌های آمریکا علیه ایران

اصطلاح تحریم^۵ عبارت است از امتناعی نظام یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و کالاها و خدمات تولیدی

1. Political values
2. Gordon Willard Allport
3. Allport
4. Foreign policy
5. sanction

یک دولت خاص بایکوت می‌شود. تحریم ممکن است عام یعنی شامل همه کالاها و خدمات و یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز و نونام، ۱۳۸۱: ۹۶).

وقوع انقلاب اسلامی ایران ابتدا راهبردهای منطقه‌ای دو ابرقدرت را دست‌خوش تغییر کرد و سپس باعث تغییراتی در راهبردهای جهانی آن‌ها شد. در رابطه با بلوک غرب، انقلاب اسلامی در کشوری که ژاندارم آمریکا در منطقه خوانده می‌شد (یعنی کشوری که باید در مقابل حرکت‌های ضدغربی بایستد) اتفاق افتاده بود و این امر از این‌رو بلافاصله یک خط آشکار قدرت در منطقه پدید آورد. آمریکا به‌منظور جبران خلأ قدرت، به اجرای «سیاست اتفاق‌نظر راهبردی»^۱ مبادرت ورزید. در سایه این سیاست، امنیت منطقه می‌توانست از طریق یک رشته موافقت‌نامه‌های نظامی و امنیتی بین ایالات متحده آمریکا و کشورهای منطقه حفظ شود (جعفری، ۱۳۹۵: ۸۱).

از قبل از وقوع انقلاب اسلامی، ایران دارای یک سری از مؤلفه‌هایی است که آمریکا از آن‌ها جهت بکارگیری تحریم چه در ابعاد قدرت سخت و چه قدرت نرم استفاده کرده است. و همچنین در طی دوران تحریم همواره این مؤلفه‌ها، ریشه و علل تحریم ایران بوده‌اند و از سوی دیگر ایران نیز از برخی مؤلفه‌ها که در راستای قدرت نرم می‌باشند، برای مقابله با تحریم استفاده نموده است که می‌توان به ۱- ریشه‌های تاریخی (کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، حمایت و تحکیم پایه‌های حکومت استبدادی شاه، تحمیل قانون کابیتولاسیون و تحقیر ملت بزرگ ایران، حمله نظامی به طبرس) ۲- ریشه‌های ژئوپلیتیک (موقعیت ژئوپلیتیک ایران و خاورمیانه) ۳- ریشه‌های سیاسی (ایران مانع رهبری مطلق آمریکا بر جهان) ۴- ریشه‌های فرهنگی (علیزاده، ۱۳۸۸: ۹۹-۹۴) نام برد.

در توجیه تحریم‌ها آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران دلایل فراوانی ذکر می‌شود که عبارتند از: حقوق بشر، مقابله با تروریسم، مقابله با مواد مخدر، حمایت از محیط زیست که یک سری مفاهیم کلی هستند که هم استناد به آن‌ها آسان است و هم چهره‌ای موجه به سیاست‌های ایالات متحده می‌دهند (علوم، ۱۳۸۵: ۶۱). همچنین، در توجیه تحریم دلایل دیگری نیز ذکر می‌شود که عبارتند از: تمایل به تأثیرگذاری بر سیاست‌ها یا حتی ایجاد تغییر در نظام یک کشور، تنبیه و مجازات یک کشور به خاطر سیاست‌هایش، نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های

کشور هدف به دلایل مختلف، دادن اطمینان خاطر به مخاطبان در کشور تحریم‌کننده به اینکه دولت آن کشور با سیاست‌های کشور هدف مخالف است و تفهیم به کشور هدف و متحدان بالقوه‌اش در اجرای عملیات لازم علیه آن‌ها می‌باشد (کارترا، ۱۹۸۸: ۱۲).

اما به گفته آمریکایی‌ها هدف از تحریم ایران، اعمال فشار حداکثری است. که این خود دو هدف را دنبال می‌کنند یا تغییر رژیم یا تغییر رفتار. آمریکایی‌ها ادعا می‌کنند هدف ما تغییر رژیم نیست ولی در نهایت این است که به مردم فشار بیاید، که مردم علیه هیئت حاکمه به شورش و اعتراض روی بیاورند، و حالا هیئت حاکمه در اثر فشار مردم یا تعویض شود، به نوعی انقلاب از دل آن بیرون بیاید، یا مجبور شود از مقاومت در برابر آمریکا دست بکشد و سر سازش و تسلیم پیش بگیرد. شاید این به نوعی سیاست و هدف غرب از تحریم باشد (دهشیری، ۱۳۹۸).

آمریکا می‌خواهد ایران با تغییر در رفتار سه منفعت آن‌ها را تأمین ننماید.

۱- امنیت اسرائیل

۲- امنیت نفت

۳- رفتار نسبت به کشورهای عربی منطقه

و مادامی که ایران از حزب الله حمایت می‌کند؛ مذاکرات فرایند صلح خاورمیانه را قبول نداشته باشد؛ از حزب الله علیه اسرائیل حمایت کند؛ و از نظر آن‌ها کشورهای عربی منطقه را بی ثبات نماید؛ مشروعیت کشورها را در مبارزه نکردن با آمریکا به سخره گیرد؛ و به تفسیر آمریکایی‌ها، در امور داخلی آن‌ها دخالت کند؛ این کار تحریم‌ها ادامه خواهد داشت (کیانی، ۱۳۹۸).

تحریم بخشی از واقعیت سیاسی آمریکا در برخورد با ایران است. در چهل سال گذشته این تحریم همواره با شدت و ضعف خاصی اعمال می‌شده است. مسئله اصلی آمریکا این است که ایران انقلابی رادیکال به قدرت منطقه‌ای دست پیدا نکند. در شرایط موجود همه نشانه‌هایی که یک قدرت منطقه‌ای می‌تواند داشته باشد، ایران دارد. جمعیت گسترده، عمق ژئوپولیتیکی، منابع اقتصادی و از همه مهمتر کنترل بازیگر. در این فضا، ایالات متحده نگاهش این است که محدودیت‌هایی را در قبال ایران اعمال کند. اعمال محدودیت‌ها و تحریم‌ها ماهیت ساختاری

دارد؛ یعنی ربطی به قالب‌های سیاسی ما ندارد. قدرت ایران به یک بازیگری با فضای منطقه‌ای تبدیل شده و از قابلیت لازم برای اثربخشی بر امنیت منطقه، ایدئولوژی منطقه و قدرت منطقه‌ای برخوردار است. مسئله آمریکایی‌ها این است که فشارهای اقتصادی را در چارچوب تحریم‌ها ادامه دهند و زمانی که این تحریم‌ها ادامه پیدا کرد، قدرت اقتصادی ایران کاهش پیدا کند. تحریم‌های وزارت خزانه‌داری آمریکا فقط معطوف به اعمال فشار علیه دولت نیست، بلکه اعمال فشار علیه نیروهای اجتماعی نیز می‌باشد و هدفشان این است که جامعه را در وضعیت اعتراضی قرار دهند (متقی، ۱۳۹۸).

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و مؤلفه‌های آن عبارتند از:

۱- فرهنگ:

منابع قدرت نرم ایران در حوزه فرهنگ در دو بخش قابل طرح است: هویت ایرانی: شامل سرزمین و نام ایران، قومیت، نژاد و هم‌زیستی، زبان فارسی، رسوم و آیین‌ها، هنر، و آثار باستانی می‌شود (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۸). هویت اسلامی: شامل فرهنگ سیاسی شیعه در شاخص‌هایی چون ایثار و شهادت، فرهنگ انتظار و ظهور منجی، قاعده نفی سبیل، فرهنگ عاشورا، ظلم ستیزی، نفوذ مرجعیت شیعه و پذیرش ولایت مطلقه فقیه، دین و ایدئولوژی، کمک به مسلمانان، حمایت از مستضعفان، مبارزه با ظلم می‌باشد (جلالی‌زاد و سپهرنیا، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

۲- ارزش‌های سیاسی، اقتصادی و استراتژیک

منابع قدرت نرم ایران در حوزه ارزش‌های سیاسی مانند: دموکراسی، آزادی بیان، ترویج حقوق بشر (مایلی و مطیعی، ۱۳۹۵: ۱۹۳) و اقتصادی، استراتژیک نیز شامل: موقعیت جغرافیایی و استراتژیک و پانزده کشور همسایه (خشکی و دریایی)، منابع معدنی (نفت، گاز، اورانیوم، آهن، سرب، مس، روی و...) (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۹).

۳- سیاست خارجی

منابع قدرت نرم ایران در حوزه سیاست خارجی شامل: نمایندگی‌های سیاسی (۱۰۰) سفارتخانه و ۴۳ رایزنی فرهنگی در کشورهای جهان)، و حضور در مجامع بین‌المللی عضویت ایران در پیمان‌های منطقه‌ای (نظیر پیمان شانگهای، کشورهای اسلامی و...) و مجامع بین‌المللی (نظیر سازمان ملل متحد، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و...)، دیپلماسی فعال در سطح منطقه و بین‌الملل (جنیدی و مولایی، ۱۳۹۸: ۷۹)، و جبهه مقاومت اسلامی در منطقه خاورمیانه (جلالی‌راد، ۱۴۰۰) مذاکره با گروه پنج بعلاوه یک و چهاره بعلاوه یک، می‌باشد.

تأثیر تحریم بر منابع قدرت نرم ایران

با توجه به منابع قدرت نرم ایران، توجه اصلی تحریم‌ها بر بخش منابع سیاسی و استراتژیکی و مخصوصاً اقتصادی، استوار است و ایران همیشه در تلاش بود تا بتواند در مواقع بحران با خلق راهکارهایی، شدت اثر تحریم و آسیب‌ها را کاهش دهد. در حوزه فرهنگ، به تعبیر مقام معظم رهبری، تأکید آمریکا بر تهاجم فرهنگی بود و نه تنها تحریم‌هایش بر این حوزه اثری نداشته، بلکه ایران توانست در بعضی موارد از ظرفیت فرهنگ در مقابله با تحریم‌ها استفاده نماید. از سوی دیگر منابع سیاست خارجی نیز برای سیاست‌گذاری و عبور از بحران تحریم‌ها موثر می‌باشد که ایران از آن‌ها نیز بهره گرفته است. لذا ایران از این دو مقوله بعنوان راهکار استفاده کرده است.

راهکارهای جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تحریم

بررسی پیامدها و تأثیرات جهانی شدن و گسترش تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی حاکی از آن است که الگوهای سنتی سیاست‌گذاری در حوزه امنیتی و دیپلماسی پاسخگوی شرایط جدید نیست. سیاست‌گذاری جدید الزامات خاصی را می‌طلبد. با گسترش رسانه‌ها و اهمیت آن به عنوان قدرت نرم، و همچنین نقش پررنگ دین در زندگی مردم، فشار افکار عمومی نیز اهمیت یافته است. از سوی دیگر امنیت در چارچوب دولت ملی با اولویت قدرت نظامی کم اهمیت شده است. امروزه رسانه‌های جهانی یک حادثه محلی و منطقه‌ای را به سرعت منتشر و پخش جهانی می‌کنند. نیروهای جامعه مدنی و شهروندان فراملی فشار نرم و تهدید نرم را برای

پیش برد اهداف خود انتخاب کرده‌اند. از این رو بدهی است که با توجه به شرایط مجازی و فرهنگی جدید، استفاده از سیاست‌گذاری‌ها و راهبردهای جدید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد. به عبارت دیگر استفاده از قدرت سخت که مستلزم بکارگیری سلاح و تجهیزات نظامی و حضور نیروهای مسلح باشد، قابل تعریف و تحلیل نیست.

فضای نرم‌افزاری و فرهنگی و مجازی استفاده از سیاست‌گذاری‌های جدید را ضروری کرده است. این سیاست‌گذاری‌ها در جهت کاهش آسیب‌پذیری کشور، ارتقا پایداری ملی و تسهیل در مدیریت بحران در مقابل تهدیدات دشمن، نهادهای مختلف و شهروندان را فعال می‌سازد. (لعل علی‌زاده و احمدپوراردجانی، ۱۳۹۰: ۲۰۴). بنابراین می‌توان سیاست‌گذاری عمومی ایران از منظر قدرت نرم را از دو منظر سیاست داخلی (رویکرد ایدئولوژیکی و تاکتیکی) و سیاست خارجی بررسی کرد.

از منظر سیاست داخلی (الف) رویکرد ایدئولوژیکی

ایدئولوژی، سیستمی از ایده‌ها، افکار و باورهاست که بر رفتارها، تصمیم‌ها و توصیه‌ها، اثر می‌گذارد. ژان بشلر ایدئولوژی را حالتی از آگاهی می‌داند که با عمل سیاسی پیوند دارد. به بیان دیگر هر صورتی از آگاهی که وارد عمل سیاسی شود، جنبه ایدئولوژیک به خود خواهد گرفت (بشلر، ۱۳۷۰: ۲۳). از این حیث وقتی یک نظام سیاست‌گذاری می‌خواهد انجام شود خودش به عنوان پدیده‌ای است که در بطن^۱ یا در زمینه و بستر اجتماعی قرار می‌گیرد. بنابراین پیش زمینه‌های اجرایی دارای اهمیت می‌شود. بحث‌های مهم در اجرای سیاست‌گذاری و سیاست‌ها، پیش از اینکه به سیاست برگردد، به مقدمات اجرا برمی‌گردد. مثلاً بحث مهم بحث جامعه‌پذیری است و بحث فرهنگ‌پذیری، بعد وارد کردن فرهنگ به زندگی عادی و روزمره. به عنوان مثال، موضوعی که در ایران مغفول اما در تاریخ ریشه‌دار است، اقتصاد مقاومتی است. بعد از اتمام جنگ جهانی دوم، اقتصادهای خراب و شکست خورده در جنگ به سمت ادبیاتی

پیش آمدند که اسمش «تاب‌آوری»^۱ معنی شده است. و یک درجه از «مقاومت»^۲ بالاتر است. مقاومت، ایستادگی و حالت منفعلانه است در حالی که تاب‌آوری، مقاومت فعال است نه منفعل. اقتصاد مقاومتی یعنی فرهنگ تاب‌آوری؛ حتی خود آمریکایی‌ها وقتی در شرایط بحران هستند و در بحران اقتصادی به مرحله تاب‌آوری می‌روند. حالا این تاب‌آوری می‌تواند با وضع سیاست‌های خاص باشد، با از بین بردن یا ادغام برخی سیاست‌های خاص، یا با جدا کردن برخی سیاست‌های خاص. تاب‌آوری یعنی مقاومت بعلاوه تفکر برای رهاسازی. روی فرهنگ این قضیه کار شده است (ملک محمدی، ۱۳۹۸). اقتصاد مقاومتی به معنای فرهنگ تاب‌آوری، در بطن ایدئولوژی قرار دارد و شاید بتوان آن را «ایدئولوژی اقتصادی» نامید.

در ایران چهار نقطه قوت اساسی در خصوص باورهای مردم وجود دارد. اول اینکه یک نوع رهبری متمرکز وجود دارد. اینکه اگرچه اختلاف نظر بین مجلس، دولت و قوه قضائیه به نظر می‌رسد، اما تصمیم‌گیری این‌ها، متمرکز است. یعنی در جهت‌گیری^۳، تفکرشان متمرکز است. ویژگی دوم که برای ایران قدرت‌ساز است، اگرچه فضای جامعه انتقادی است، اما در عین حال، یکپارچه است. بحث گروه‌های سیاسی، این نیست که با نظام سیاسی مقابله کنند، بلکه این است که در نظام سیاسی، مشارکت کنند. پس کشور در فضای یکپارچگی قرار دارد یعنی دارای انسجام^۴ است. نکته سوم این که انعطاف‌پذیری^۵ در جامعه ایران بالا است. این انعطاف‌پذیری، توان ایران را برای عبور از بحران‌ها، بیشتر می‌کند. مثلاً مفهومی که مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) استفاده کردند با عنوان «نرمش قهرمانانه»، بیانگر این است که ایران در حوزه سیاست، باید انعطاف‌پذیری داشته باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای^(مدظله العالی) در این مورد می‌فرماید: معنای دیگر ویژگی مهارت دیپلماتیک (استفاده به موقع و به جا از انعطاف و اقتدار) نرمش قهرمانانه است که صلح امام حسن مجتبی^(علیه‌السلام) پرشکوه‌ترین نمونه‌ی تاریخی آن به شمار می‌رود. نرمش قهرمانانه برخلاف برخی تفاسیر، معنای واضحی دارد که نمونه‌ی آن در مسابقه‌ی کشتی

1. Resilience
2. Resistance
3. Orientation
4. Cohesion
5. Flexibility

نمایان است در این مسابقه که هدف آن شکست دادن حریف است اگر کسی قدرت داشته باشد اما انعطاف لازم را در جای خود به کار نگیرد، قطعاً شکست می‌خورد؛ اما اگر انعطاف و قدرت را به موقع مورد استفاده قرار دهد پشت حریف را به خاک می‌نشانند (خامنه‌ای (الف)، ۱۳۹۳). یا مفهومی که ایران در سند چشم انداز دارد: «دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول عزت، حکمت و مصلحت» (سند چشم‌اندار جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴). یا بیانیه گام دوم، با عنوان "عزت، حکمت، مصلحت" که در آن آمده است: عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن: این هر سه، شاخه‌هایی از اصل "عزت، حکمت، و مصلحت" در روابط بین‌المللی اند. صحنه‌ی جهانی، امروز شاهد پدیده‌هایی است که تحقق یافته یا در آستانه‌ی ظهورند: تحرک جدید نهضت بیداری اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر سلطه‌ی آمریکا و صهیونیسم؛ شکست سیاست‌های آمریکا در منطقه‌ی غرب آسیا و زمین‌گیر شدن همکاران خائن آن‌ها در منطقه؛ گسترش حضور قدرتمندانه‌ی سیاسی جمهوری اسلامی در غرب آسیا و بازتاب وسیع آن در سراسر جهان سلطه. اینها بخشی از مظاهر عزت جمهوری اسلامی است که جز با شجاعت و حکمت مدیران جهادی به دست نمی‌آید (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). به این معنا است که ایران باید حتماً در یک نوع فضای حکمت هم قرار داشته باشد. حکمت به معنای، سنجش فعالیت‌هایی که انجام می‌پذیرد و مواضعی که اتخاذ می‌کند. ویژگی چهارمی که دارد، این است که منابع اجتماعی و اقتصادی ایران متنوع است و این تنوع می‌تواند نیاز ایران را به واردات بیش از حد، کاهش دهد و می‌تواند نیاز کشور را به اقتصاد تک محصولی نیز، کاهش دهد (متقی، ۱۳۹۸).

همانطور که مقام معظم رهبری^(مدظله العالی) فرمودند: «به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷) و آنچه ایشان به عنوان راهکار مقابله طی سالیان متوالی بر آن تأکید داشتند مقاومت است، البته مقاومتی هم مبتنی بر اقتصاد مقاومتی. ایشان در این باره تأکید داشتند: «تحریم را با مجاهدت در باب اقتصاد مقاومتی بایستی خنثی کرد» (خامنه‌ای (ب)، ۱۳۹۳). اگر بتوان اقتصاد مقاومتی را چه از درون کشور تقویت کرد و چه تقویت محور مقاومت که بتوان از طریق آن با ایجاد شبکه بازدارنده، برای کشورهایی که به نوعی از سیاست تحریم حمایت می‌کنند، هزینه ایجاد کرد تا حداقل با سیاست‌های تحریمی یکجانبه آمریکا، همراهی نکنند (دهشیری، ۱۳۹۸).

ب) رویکرد تاکتیکی

تاکتیک استراتژی مقطعی و کوچک شده است که انعطاف‌پذیری بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. همه کشورها برای تقابل با موضوعاتی همچون تحریم، یا از راهبرد و یا از تاکتیک استفاده می‌کنند. و سیاست ایران برای مقابله با تحریم‌ها، دائماً جنبه تاکتیکی بجای راهبرد کلان داشته است. علت این است که وقتی ایران در معرض تهدید قرار دارد، اولین کار این است که تحریم را رفع کند تا به شرایط با ثبات برسد و بخاطر همین به ابزارهای گوناگون متوسل می‌شود تا تحریم را رفع کند. بنابراین مجبور است که به تاکتیک در دوران تحریم، دست بزند. چرا که هم نظام کنونی در حال شدن است و هم نوع سیاست‌های طرف مقابل، دائماً ایضایی است، بنابراین ایران هم مجبور است که دائماً متناسب با نظام بین‌الملل سیاست‌های جدیدی را طراحی کند. بی‌ثباتی فضای سیاست‌های داخلی ایران و نیز وجود و کارکرد نهادهای موازی در یک موضوع تحریمی، در کنار معایب، حُسن هم دارد به این معنی که طرف مقابل گیج می‌شود و نمی‌داند کدام نهاد را باید کنترل کند. مثلاً دولت یک سیاست مقابل با تحریم دارد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سیاست دیگر، که به آن ابهام‌خلاق^۱ می‌گویند. ابهامی که سازنده است و می‌تواند خنثی‌کننده سیاست‌های طرف مقابل باشد. بنابراین طرف مقابل را دچار گیجی می‌کند. از سیاست‌های ترامپ هم، ایجاد آنومی، یا سرگشتگی در طرف مقابل بود. سیاست ایران هم همین ویژگی را دارد و طرف مقابل را دچار گیجی و سرگشتگی می‌کند. به اصطلاح کارکردگرایان، تداخل کارکردی در ایران، بین نهادهای دخیل در امر مقابله با تحریم، منجر به این وضعیت، شده است که آمریکا نداند که مخاطب او در ایران، چه کسی است (دهشیری، ۱۳۹۸). و البته این مطلب باعث شده تا آمریکا، افراد بسیاری را در نهادهای مختلف ایران، در لیست تحریم‌ها بیاورد.

گاهی نیز مدل ایران در سیاست‌گذاری عمومی بر مبنای مدیریت اقتضائی است، یعنی بیش از اینکه راهبرد داشته باشد، بخاطر محدودیت‌های بیش از حدی که وجود دارد؛ به ناچار بر معیارها و مؤلفه‌های تاکتیکی متمرکز می‌شود. بنابراین در فضای موجود، همه تلاش این است که تحریم‌ها را بردارد یا کاهش دهد. بنابراین یک فشار در محیط بیرونی اعمال می‌شود و ایران

1. Creative ambiguity

متناسب با آن فشار، واکنشی را به انجام می‌رساند. ایران قابلیت‌های اجتماعی، اقتصادی و نظامی دارد اما باید تهدیدها را هم کاهش دهد (متقی، ۱۳۹۸).

از موارد دیگری که می‌توان در این مقوله از آن یاد کرد این است که مردم ایران از ابتدای انقلاب به بعد، اصولاً به یک نوعی از سیستم سوسیالیستی خو گرفته‌اند. در ابتدای انقلاب سیستم کوپنی در کشور حاکم بود. به طور کلی دولت در توزیع اجتماعی و درآمدها کارنامه نسبتاً خوبی دارد. به عنوان مثال یارانه‌ها عملاً مثل یک مُسکن عمل کردند. این هم از منظر تفکر مدیریت سوسیالیستی در کشور بود که در شرایط تحریم بهتر از تفکر نولیبرالی عمل کرد. اگر مسئولین کشور می‌خواستند نسخه‌های نولیبرالی در قبال تحریم در کشور انجام بدهند، اگرچه می‌تواند نسخه خوبی باشد، ولی در شرایط تحریم خوب نیست و به فروپاشی کشور می‌انجامد. لذا خوگرفتن مردم در چهار دهه به "تحریم تدریجی" که از اول انقلاب بعد از بحران گروگانگیری شروع شد؛ سپس به "تحریم‌های متوسط" و به "تحریم‌های طولانی مدت" که بعد از فروپاشی شوروی و تحریم‌های داماتو تا تحریم‌هایی که از سال ۲۰۱۱ میلادی با پیوستن اروپا، بسیار قوی و کمر شکن شدند، به کمک ایران آمد تا بتواند زیر فشار اصطلاح «تحریم‌های کمرشکن و دندان شکن» که خانم هیلاری کلینتون در زمان انتصابش به عنوان وزیر خارجه آمریکا، استفاده می‌کرد، دوام آورد (کیانی، ۱۳۹۸).

از منظر سیاست خارجی

اگر بپذیریم که دولت‌ها از جمله ایران در سیاست جهانی به دنبال اهداف هستند، بنابراین سیاست‌گذاری و تصمیمات آن بر مبنای داشتن اهداف مشخص، اولویت‌های معین، اطلاعات کافی و احتمال موفقیت و محاسبه سود و زیان هر یک از گزینه‌ها شکل می‌گیرد (مشیرزاده، ۱۳۹۶: ۱۴). لذا در خصوص سیاست خارجی ایران، می‌توان اظهار داشت، به دلیل همین سود زبانی که در بطن اهداف قرار دارد، با همکاری کشورهایی که جزء کشورهای غیر متعهد هستند، تا حدودی به پارادایم‌سازی پرداخته است و روی چندجانبه‌گرایی و نفی سیاست‌های یکجانبه گرایانه آمریکا، عمل کرده است. رویکرد تعاملی و هنجار محور ایران در خصوص کشورهایی مانند عراق و سوریه، یمن، فلسطین، لبنان، و گروه‌های جنبشی از قبیل حزب الله و انصار الله نیز در دور زدن تحریم‌ها، به ایران کمک کرده است. همچنین در خصوص رویکرد تمدنی که همه

ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در بر می‌گیرد. مثلاً ایران در حوزه نوزده بسیار تأکید می‌کند. این کشور شاید با آذربایجان خیلی اختلاف داشته باشد اما در رویکرد تمدنی توانسته، ارتباط برقرار کند.

در خصوص مسائل منطقه، ایران دائماً روی ثبات منطقه تأکید می‌کرد، ولی در طی زمان به این نتیجه رسید که ثبات منطقه ضرورتاً همیشه منافع ندارد. گهگاه باید هزینه را برای طرف مقابل افزایش داد تا او هم بفهمد اقداماتی که انجام می‌دهد برای او دارای تبعات زیان‌بار و هزینه‌بر خواهد بود. به همین دلیل برخی از اقدامات در حمایت از برخی گروه‌های نیابتی انجام شد که بتواند هزینه طرف مقابل را در سیاست‌گذاری دوران تحریم افزایش دهد. وضعیتی که ایران در دوران تحریم دارد، این است که دائماً نقش‌ها جابجا می‌شود. یعنی در واقع یکبار ایران عامل ثبات و عربستان عامل تنش می‌شود و گاهی برعکس، ایران عامل تنش و عربستان عامل ثبات است. و در این شرایط که به آن شرایط آشوب می‌گویند، ایران سیاست‌گذاری را در شرایط نرمال ندارد؛ شرایط نظریه آشوب^۱ یا نظریه اثر پروان‌های^۲ که می‌گوید هر حرکتی می‌تواند تأثیری روی پدیده دیگری داشته باشد. یعنی هر اقدام ایران و آمریکا بر روی هم تأثیر می‌گذارد و این تأثیر و تأثیر متقابل، منجر به این می‌شود که ایران متناسب با آن واکنش نشان دهد. بنابراین دلیل دارد که ایران چرا سیاست‌های متنوع و در عین حال، سیالیت‌وار در شرایط تحریم دارد؛ به دلیل همین اثر پروان‌های است (دهشیری، ۱۳۹۸).

همچنین می‌توان گفت، هر چند قدرت‌های تحریم‌کننده، هم آمریکایی‌ها و هم اروپایی‌ها، اذعان دارند تحریم ایران به عنوان کشوری با دارا بودن ۱۵ کشور همسایه (خشکی و دریایی) کار خیلی سختی است چرا که ایران فقط ۱۱۰ مبادی گمرک ورودی دارد، اما به دلیل جزیره و کم همسایه نبودن، در دور زدن تحریم‌ها موفق عمل کرده است. در دراز مدت پیوند خودش را با همسایگان و نهادهای منطقه‌ای حفظ و بیشتر کرده تا اولاً به راحتی تحریم نشود، چون نه تنها باید کاری بکند که تحریم‌اش، تحریم یک جمع محسوب بشود و آن جمع در مقابل تحریم کننده، مقاومت بکنند، بلکه اولویت قراردادن همکاری با همسایگان به مراتب کم هزینه‌تر است (کیانی، ۱۳۹۸).

1. Chaos Theory
2. Butterfly Effect

ایران در موضوع تحریم چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی در بسیاری موارد آگاهانه سیاست‌ها را تغییر داده و یا شاید از ابتدا این استراتژی را دارا بوده است. مثلاً در حین مذاکرات و توافق هسته‌ای، آزمایش موشکی انجام می‌دهد و این سوال را به وجود می‌آورد که اگر اصل بر مذاکره بود، این گونه تنش‌ها به چه دلیل صورت می‌گیرد؟ (جلالی، ۱۳۹۸) و این همان موضوعی است که شاید بتوان سیاست "ابهام‌سازی"، نام نهاد تا آمریکا را با یک سردرگمی مواجه نماید تا خود به فرصت اندوژی برای خلق تاکتیک بهتر برسد.

نتیجه‌گیری

یکی از سیاست‌گذاری‌های ایران در مقابله با تحریم‌های یکجانبه آمریکا استفاده از قدرت نرم می‌باشد. با توجه به منابع قدرت نرم و تأثیر تحریم بر برخی حوزه‌ها و ایجاد بحران، علی‌الخصوص در بخش‌های اقتصاد و سیاست، راهکارهای ایران در دو سطح داخلی و خارجی حائز اهمیت است که سطح داخلی ایران را می‌توان از دو منظر ایدئولوژیکی و تاکتیکی بررسی کرد. از منظر ایدئولوژیکی، با استفاده از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری و نرمش قهرمانانه، به نوعی فرهنگ "تحریم‌پذیری" در ایران را نهادینه کرده است. از منظر تاکتیکی نیز، با بهره‌گیری از مدل اقتضائی، مدل ابهام‌سازی با توجه به تداخل کارکردی نهادها، تلاش کرد تا از اثر تحریم‌های یکجانبه آمریکا بکاهد و با بکارگیری این دو، نه تنها، بستر تعامل با کشورهای تحریمی را فراهم کرده است، کشورهایی که ایدئولوژی یا شرایط مشابهی را در خصوص تحریم با ایران دارند، بلکه با هدف ایجاد باشگاه کشورهای تحریم، یا ایجاد شبکه‌ای از کشورهای همسوسه لحاظ مسائل ارزشی و ایدئولوژیکی، برای تحقق اهداف مقابله با تحریم تلاش می‌کند و در این شرایط نه تنها به تغییر رویه راضی نشده و از خود کنش ایجابی نشان نداد، بلکه با افزایش تحریم‌ها کنش سلبی نیز بیشتر شده است. لذا در انتخاب سیاست خارجی علاوه بر رویکرد تعامل یا هنجار محور با کشورهای همسایه و یا کشورهای تحریمی، مدل آشوب و اثر پروانه‌ای را در دوران تحریم مدنظر قرار داده است.

منابع

۱. اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی ایران. تهران: نشر میزان.
۲. ایزدی، حجت‌الله (۱۳۸۷). «مبانی قدرت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال یازدهم، زمستان، شماره ۴۱.
۳. ایوانز، گراهام و نونام، جفری (۱۳۸۱). فرهنگ روابط بین‌الملل؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، تهران: نشر میزان.
۴. بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟ نقدی بر ایدئولوژی‌های غربی. ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۵. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۶. جعفری، سید اصغر (۱۳۹۵). «نقش امام خمینی در شکل‌گیری قطب قدرت اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۸)، صص ۱۰۳-۷۵.
۷. جلالی‌راد، محمدصادق؛ سپهرنیا، رزیتا (۱۳۹۶). «شاخص‌های فرهنگ سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بعد کلان از دیدگاه نخبگان»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، ۷(۲۳)، صص ۱۳۳-۱۵۸.
۸. جلالی‌راد، محمدصادق (۱۴۰۰). مصاحبه تخصصی، تهران.
۹. جنیدی، رضا؛ مولایی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، راهبرد سیاسی، ۳(۸)، صص ۸۹-۶۵.
۱۰. چهاردولی، عباس، قاسمی بنابری، حمیدرضا (۱۳۹۸). مبانی و اصول سیاست‌گذاری با رویکرد تطبیقی (اسلام و غرب). تهران: مرکز انتشارات راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۱۱. حبیبیان، محمدحسن؛ صبوری، محمدحسن (۱۳۹۱). «جنگ نرم و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، امنیت پژوهی، ۱۱(۴۰)، صص ۵۲-۳۱.
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در دیدار با اқشار مختلف مردم (۱۳۹۷/۰۵/۲۲). قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۱۳. خامنه‌ای، سیدعلی (الف) (۱۳۹۳). بیانات در دیدار با مسئولان وزارت خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور (۱۳۹۳/۰۵/۲۲). قابل

- دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی (ب) (۱۳۹۳). بیانات در دیدار با مسئولان نظام (۱۶/۰۴/۱۳۹۳). قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۱۵. خدادادی، محمد (۱۳۹۷). منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آمریکای لاتین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تاریخ و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام).
۱۶. دانش فرد، کرم الله (۱۳۹۴). مبانی خط‌مشی گذاری عمومی. چاپ دوم، تهران: نیاز دانش.
۱۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۸). مصاحبه تخصصی، تهران.
۱۸. سعیدی‌نژاد، حمیدرضا؛ آریاپوران، سعید (۱۳۸۹). «رابطه هویت قومی و سنخیت فرهنگی با ارزش‌های سیاسی و اجتماعی دانشجویان»، دوفصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، (۲)۵، صص ۵۲-۲۹.
۱۹. سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، قابل دسترسی در: <https://farsi.khamenei.ir>
۲۰. صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، چاپ ششم، تهران: ققنوس.
۲۱. عبادی، زهرا (۱۳۹۵). تأثیر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر اهداف و منافع آمریکا در عراق جدید ۲۰۰۳-۲۰۱۴. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع).
۲۲. علومی، ابراهیم (۱۳۸۵). «جایگاه تحریم در سیاست خارجی ایران»، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و آمریکا‌شناسی، (۲)۷، صص ۷۸-۵۵.
۲۳. علیزاده، علی‌اکبر (۱۳۸۸). «ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا»، فصلنامه دین و سیاست، (۲۱)۶، صص ۹۱-۱۰۴.
۲۴. قریب، حسین (۱۳۹۲). «عقلانیت و سیاست‌گذاری خارجی»، فصلنامه راهبرد، (۶۸)۲۲، صص ۱۲۶-۱۰۵.
۲۵. قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰). «الگوهای قدرت نرم در خاورمیانه»، مطالعات قدرت نرم، (۱)۱، صص ۳۶-۷.
۲۶. کریمی منجرمویی، یعقوب (۱۳۹۰). بازشناسی مؤلفه‌های قدرت نرم ایران در منطقه خاورمیانه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یاسوج.

۲۷. کیانی، داوود (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۲۸. کیوان حسینی، سیداصغر؛ جمعه‌زاده، راحله (۱۳۹۲). «تبیین نظری قدرت نرم بر مبنای نگرشی فرا«نای» به کاربست منابع غیر مادی قدرت در سیاست خارجی»، پژوهش سیاست نظری، ۱(۱۳)، صص ۱۶۰-۱۳۹.
۲۹. لال، جیمز (۱۳۷۹). رسانه‌ها، ارتباطات، فرهنگ؛ رهیافتی جهانی، مترجم: مجید نکودست، چاپ اول، تهران: مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
۳۰. لستر، جیمز پی، استوارت، جوزف. (۱۳۸۱). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی رویکردی تکاملی. ترجمه مجتبی طبری و مجتبی میکاییلی و سهیل خورشیدی، تهران: نشر ساوالان.
۳۱. لعل علی‌زاده، محمد؛ احمدپوراردجانی، مژگان (۱۳۹۰). «جهانی‌شدن فرهنگی و قدرت نرم، ضرورت سیاست‌گذاری جدید با رویکرد نرم‌افزارانه»، مطالعات قدرت نرم، ۱(۳)، صص ۲۱۷-۱۹۳.
۳۲. مایلی، محمدرضا؛ مطیعی، مریم (۱۳۹۵). «قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات روابط بین‌الملل، ۹(۳۵)، صص ۲۰۷-۱۹۰.
۳۳. متقی، ابراهیم (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۳۴. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۶). «آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری خارجی: مبانی نظری»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۳(۱)، صص ۲۷-۹.
۳۵. ملک محمدی، حمیدرضا (۱۳۹۸) مصاحبه تخصصی، تهران.
۳۶. نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل. ترجمه محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۳۷. الوانی، سیدمهدی، شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی. چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۳۸. هاوالت، مایکل، رامش، ام، پرل، آنتونب (۱۳۹۴). مطالعه خط‌مشی عمومی؛ چرخه‌های خط‌مشی و زیر نظام‌های خط‌مشی. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.

39. Allport, Gordon Willard. (1968). The Person in Psychology. Boston: Beacon Press.

40. Carter, Barry. E. (1988). International Economic Sanctions: Improving the Haphazard US Legal Regime. Cambridge: Cambridge University Press.

۱۷۶

فصلنامه علمی

مطالعات

قدرت نرم

سال یازدهم ، شماره سوم (پیاپی ۲۶) ، پاییز ۱۴۰۰

